آزموده را آزمودن خطاست (درباره پیش نیازهای جلب سرمایه های خارجی)

مهرآفرین

فارق از هرگونه مقدمه‏چینی باید اذعان داشت که اکنون‏ بیش از هر زمان بر همگان آشکار شده است که تورم لجام‏ گسیخته و تازنده کنونی از یک سو،بیکاری در انتظار به‏ عنوان مشکل آینده از سوی دیگر،جامعه را هر روز بیش‏ از پیش به فقری درمان‏ناپذیر سوق می‏دهد.رویدادی که‏ چنانچه بافوریت هرچه تمامتر مورد چاره‏جوئی‏ قرار نگیرد،بی‏تردید زیانهای ناشی از آن غیر ممکن‏ نباشد در بلندمدت و صرف هزینه گزاف نیز بسادگی‏ مقدور نخواهد بود.

اکنون به نظر می‏رسد با عبرت از رویدادهای ناشی‏ از آزمونهای اقتصادی چندین دهه اخیر،نظامهای اقتصادی‏ متمرکز دولتی یابسته و بهره‏گیری از ابتدائی‏ترین اصول‏ و مبانی اقتصاد ملی روشن شده باشد که رویاروئی‏ با مشکلات مورد اشاره و دست کم تعدیل تدریجی آن‏ با سرمایه‏گذاری و بهبود کم و کیف تولید ملی راهی‏ وجود نداشته باشد.واقعیتی که جز با جلب سرمایه‏های‏ خارجی و حمایت از آن مقدور نیست.زیرا روشن است که‏ سرمایه مورد نیاز برای سرمایه‏گذاری بیرون از توان‏ تولید ملی و به بیان ساده اقتصاد ملی ایران است.واقعیتی‏ که از تائید عام برخوردار است بی‏تردید در آینده نزدیک‏ نیز امکان بهبود آن وجود ندارد.بنابراین چنانچه اکنون بدون‏ آنکه بخواهیم سخن را بدرازا بکشیم،پذیرای این واقعیت‏ انکارناپذیر باشیم که تنها کلید حل مشکلات دوگانه‏ مورد اشاره یعنی تورم و بیکاری یا ایجاد اشتغال،مشروط به‏ سرمایه‏گذاری کلان بویژه در سرمایه‏گذاریهای‏ کارگر بر نیز می‏باشد تردید نیست که بایستی ضمن‏ فراهم‏سازی زمینه و شرایط لازم،اعم از تجدید نظر و بهبود ساختار اداری-تولیدی،مالی-پولی و اجرائی‏ کشور به جلب و حمایت سرمایه‏های خارجی‏ پرداخت.بدین‏سان روشن است که هدف از ارائه این‏ گفتار که با بهره‏گیری از گزارش واصله از نمایندگی جمهوری‏ اسلامی ایران در نایروبی ادا خواهد شد،توصیه‏هائی مفید و همه جانبه است که معاون رئیس سازمان توسعه صنعتی‏ مالزی از چندی پیش از سمینار رشد و توسعه صنعتی‏ برپا در پاریس پیرامون چگونگی بهره‏گیری از سرمایه‏های‏ خارجی در فرآیند رشد و توسعه صنعتی ابزار داشته‏ است.توصیه‏هائی که به نظر می‏رسد توجه به آن برای‏ سیاستگزاران اقتصادی کشور خالی از فایده نباشد.

معاون رئیس سازمان توسعه صنعتی مالزی‏ گفتار خود را با این پرسش اساسی آغاز می‏کند که: هر صاحب سرمایه‏ای که علاقمند به کار و فعالیت‏ در بازارهای جهانی باشد،نخست چنین آغاز اندیشه‏ می‏کند که اکنون که برآنم سرمایه،عهر و مهارتم‏ را در پهنه‏ی گیتی،در یک کشور بیگانه بکار گیرم،در این‏ کشور با کدامین شرایط عقلائی روبرو خواهم بود؟سپس‏ در پاسخ به این پرسش اساسی موارد ده‏گانه‏ای را مطرح‏ می‏کند که برگرفته‏ای از آنرا در زیر با هم مرور می‏کنیم.

1-ثبات سیاسی:

بی‏تردید نخستین و اصلی‏ترین عامل موثر در تصمیمگیری هر شخص سرمایه‏گذاری که‏ بخواهد در یک کشور حضور یابد،کسب اطمینان از ثبات‏ سیاسی در آن کشور است.به این معنا که چنانچه‏ سرمایه‏گذار نتواند پیرامون حفظ جان و مال خود اطمینان‏ حاصل کند،با وجود هرگونه جاذبه‏ای حضور خود در آن‏ کشور را غیر ممکن خواهد یافت.

2-ثبات بنیانهای اقتصادی:

روشن است که هیچ صاحب سرمایه‏ای تمایل ندارد، سرمایه خود را در کشوری بکار بندد که فاقد بنیانهای با ثبات اقتصادی لازم برای رشد و توسعه اقتصادی است.ازاین‏رو باید پذیرای این واقعیت بود که ثبات در تدوین مقررات‏ حاکم بر فعالیتهای اقتصادی و ارائه ضمانتهای لازم برای‏ سرمایه‏گذاری،دست‏کم برای مدت زمانی هرچند کوتاه‏ اما مورد تأئید،لازمه هرگونه تلاش برای جلب سرمایه‏های‏ خارجی خود خواهد بود.به این معنا که سرمایه‏گذار باید بتواند ناظر بر فعالیتهای دولت کشور میزبان برای‏ هرگونه فعالیت اقتصادی و ایجاد فرصتهای بازرگانی تازه‏ باشد.روشن است که افزایش قدرت خرید جامعه سبب‏ افزایش فرصتهای تجاری جدید خواهد شد،واقعیتی که‏ درهرحال به‏طور قطع و مسلم خوش‏آیند و مورد اقبال‏ هرگونه سرمایه‏گذاری از سوی سرمایه‏گذاران خواهد بود.

3-چگونگی برخورد با صاحبان‏ سرمایه:

نتایج بدست آمده از بررسی تجربه‏های سرمایه‏گذاری‏ خارجی در کشورهای جهان گویای این واقعیت‏ انکارناپذیر است که یکی از عمده‏ترین عوامل موثر در جلب سرمایه‏های خارجی همانا چگونگی‏ برخورد با صاحبان سرمایه‏های خارجی که بیشتر توسط وزراء یا کارگزاران عالیرتبه کشورهای جویای سرمایه‏های‏ خارجی در سفرهای خارجی آنها به وقوع می‏پیوندد، بایستی در کشور میزبان از حمایت و پشتیبانی لازم‏ و درخور توجه برخوردار باشد.بویژه آنکه همسوئی نقطه‏ نظرات دولتمردان حاکم با رهبریت مخالفان دولت در جذب‏ سرمایه‏های خارجی درخور اهمیت و توجه ویژه‏ است.بنابراین تردید نیست که در صورت وجود یا بروز هرگونه تشتت آرائی در جلب سرمایه‏های خارجی برای‏ سرمایه‏گذاری را،اگر نخواهیم بگوئیم با مشکلات غیر قابل‏ حل،درهرحال با مشکلات فراوان روبه‏ رو خواهد ساخت.لذا باید دانست که هرگونه‏ برخورد غیر دوستانه‏ای در کشور میزبان با صاحبان‏ سرمایه‏های خارجی از جمله عوامل بازدارنده‏ و ورود سرمایه‏های خارجی به کشور جویای سرمایه‏ خواهد بود.

4-سیاستگزاریهای دولت:

باید پذیرفت که به‏طور کلی و اصولی صاحبان سرمایه اعم‏ از داخلی و خارجی همواره در بیم اثرات ناشی‏ از سیاستگزاریهای جدید دولت بر منافع‏ خود بسر می‏برند.صرفنظر از اینکه عوامل متعدد و مرتبط دیگری در این رابطه وجود دارد که سرمایه‏گذار بهنگام‏ تصمیمگیری در سه محور اصلی مورد اشاره در زیر به‏ آنها توجه ویژه دارد.

الف-شکل مالکیت:از آنجا به‏طور کلی و اصولی‏ هر صاحب سرمایه‏ای همواره در اندیشه حفظ حاکمیت‏ خود بر سرمایه خویش است.بی‏تردید مالکیت‏ یا درصد سهام صاحبان سرمایه‏های خارجی‏ نیز نمی‏تواند عاری از این حکم و روال باشد زیرا به‏طور کلی‏ صاحبان سرمایه یا روشن‏تر سرمایه‏گذاران خارجی بویژه‏ در طرحها و پروژه‏هائی که عمدتا با هدف صادرات‏ کالا و بدون وابستگی درخور توجه به منابع اولیه‏ کشور میزبان طراحی و اجرا می‏شود،همواره خواهان سهم‏ بیشتر و گاهی نیز مالکیت کامل واحد می‏باشند.در صورتی‏ که به سبب وابستگی به مواد اولیه کشور میزبان،انتظارات‏ سرمایه‏گذار خارجی در سطح بمراتب پائین‏تری سوق داده‏ خواهدشد.بویژه آنکه چگونگی ساختار عملکرد اقتصادی‏ کشورهای همسایه و دسترسی به بازارهای آنان‏ در اخذ هرگونه تصمیمی در اینباره بی‏تاثیر نخواهد بود.

ب-چگونگی برخورد با نیروهای مورد نیاز:نکته‏ درخور توجه اینکه اصولا کلیه‏ی صاحبان سرمایه اعم‏ از داخلی یا خارجی،به گونه‏ای خواهان منافع‏ خود در پروژه‏های مشترک می‏باشند.ازاین‏رو باید پذیرفت‏ که سرمایه‏گذار خارجی برای دسترسی به اطلاعات داخلی‏ سازمان یا واحد تصمیمگیری در مواقع لازم نیاز به آن دارد که‏ شخص خاصی را در سازمان یا واحد مورد اشاره‏ در اختیار داشته باشد.زیرا سرمایه‏گذاران خارجی پیوسته‏ در پروژه‏های مشترک خواهان آنند که با ایجاد پستهای‏ کلیدی،این پستها را توسط اشخاص خارجی‏ در اختیار داشته باشند.

پ-مقررات ارزی:تردید نیست که چگونگی مقررات‏ ارزی در تصمیمگیری سرمایه‏گذاران خارجی از جایگاهی‏ ویژه و درخور اهمیت برخوردار است.زیرا شاخص ارزی‏ در قیاس با شاخصهای مورد اشاره در فوق‏ در تصمیمگیریهای مربوط به سرمایه‏گذاری از اهمیت‏ و ارزش بیشتری برخوردار است.به بیان روشن‏تر سهولت‏ ورود و خروج سرمایه،برخورداری از حساب ارزی،نقل‏ و انتقال وجوه به مناطق مختلف و در نهایت امکان‏ برخوردار بودن از حساب ارزی مشترک نیز از نکات بی‏اندازه‏ حساس محسوب می‏شوند که هر سرمایه‏گذار خارجی‏ در تصمیمگیریهای خود مدنظر دارد.

5-تاسیسات زیربنائی:

صرفنظر از شاخصهای چهارگانه‏ای پیش از این مورد اشاره‏ قرارگرفت،یکی از عمده‏ترین شاخصهای موثر در تصمیمگیریهای سرمایه‏گذاران خارجی،ابعاد تاسیاست زیربنائی کشور میزبان‏ است.در اینجا باید یادآور شد که منظور از تاسیسات زیربنائی‏ اعم است از جاده‏ها،فرودگاهها،بندرها،خطوط ارتباطات‏ تلفن و تلگراف و فاکس و به‏طور کلی رسانه‏های‏ گروهی،تاسیسات برق و آبرسانی و...است که هرکدام به‏ تنهائی در هزینه تولید و قیمت‏گذاری نهائی کالاهای‏ تولیدی دارای اثر مستقیم می‏باشند.تردید نیست که‏ هزینه‏های ناشی از بهره‏گیری از این عوامل زیربنائی‏ در مقایسه با هزینه‏های ناشی از بهره‏گیری از این عوامل‏ زیربنائی نباید در مقایسه با هزینه‏های بین المللی مشابه‏ بیشتر باشد.به بیان ساده‏تر هزینه بهره‏گیری از عوامل‏ زیربنائی هر اندازه کمتر باشد سرمایه‏گذاری از جذابیت‏ بیشتری برخوردار خواهد بود.

6-نیروی کار:

نکته درخور توجهی که در خصوص نیروی کار باید مورد یادآوری قرار گیرد این که گفته می‏شود از جمله عوامل‏ موثر و جاذب سرمایه‏های خارجی در کشورهای روبه‏ رشد و توسعه یا توسعه نیافته،در واقع همانا نیروی انسانی‏ ارزانقیمت است که در کنار سایر عوامل به گونه‏ای‏ چشمگیر جاذب سرمایه‏گذاری خارجی‏ می‏باشد.تردید نیست که نیروی انسانی ارزان در پاره‏ای‏ از موارد جاذب سرمایه‏گذاری خارجی می‏باشد، اما باید توجه داشت که آنچه بیش از همه در خصوص نیروی‏ کار در جلب سرمایه‏های خارجی موثر است،افزون بر نیروی‏ کار ارزانقیمت همانا ترکیب نیروی کار به میزان و چگونگی آموزش و مهارتهای نیروی کار در اختیار و موجود،چگونگی‏ روابط اتحادیه‏های کارگری با مراجع دولتی و دولتمردان و به‏ بیان ساده‏تر کارگزاران و سازمانهای تصمیمگیر،سطح‏ دستمزدها و مقررات حاکم بر روابط و جامعه کارگری‏ کشور میزبان و...است.

7-نظام بانکی-مالی:

از آنجا که فعالیت در بازارهای بین المللی و به بیان دیگر اقتصاد جهانی مستلزم برخوردار بودن از وجود نظام بانکی‏ و مالی سنجیده و مقبول بین المللی می‏باشد روشن است که‏ وجود نظام بانکی-مالی کارآ در کشور میزبان سرمایه‏گذاری‏ خارجی و یا جویای سرمایه،از عمده‏ترین عوامل موثر در تشویق و جلب صاحبان سرمایه‏های خارجی‏ سرمایه‏گذاری در کشور میزبان خواهد بود،بویژه آنکه به‏ طور کلی گونه و چگونگی اعطای اعتبارات،بهره‏های‏ مورد عمل،دسترسی به اعتبارات و وامهای مورد نیاز نیز از جمله عوامل موثر در تصمیمگیری صاحبان‏ سرمایه‏های خارجی می‏باشد.بدیهی است‏ وجود شعبه‏هائی از بانکهای بین المللی در کشور میزبان که‏ درهرحال در مقایسه با بانکهای داخلی از توان انتقال وجوه‏ مالی و اعطای اعتبار بیشتری برخوردارند،در فرآیند جلب‏ سرمایه‏های خارجی از جایگاهی ویژه برخوردارند.

8-بوروکراسی اداری:

بررسی اوضاع اقتصادی کشورهای رو به رشد و توسعه‏ یا عقب‏مانده گویای این واقعیت انکارناپذیر است که یکی‏ از عمده‏ترین مشکلات فراراه سرمایه‏گذاری خارجی‏ در این کشورها،ساختار و بوروکراسی اداری است.ازاین‏ رو تردید نیست که اصلاح ساختار بوروکراسی اداری‏ در کشورهای میزبان سرمایه خارجی و یا خواهان این‏ سرمایه‏ها به نحوی که صاحبان سرمایه،نظام اداری- حکومتی را یار و مدد خود بدانند،بیش از تصور ساده‏ مورد نیاز و در نهایت موثر در جلب سرمایه‏های خارجی برای‏ سرمایه‏گذاری می‏باشد.

9-فضای بازرگانی کشور:

یکی دیگر از توصیه‏های معاون رئیس سازمان توسعه‏ صنعتی مالزی در خصوص پیش‏زمینه و یا فراهم‏سازی‏ زمینه‏های لازم برای جلب سرمایه‏های خارجی،فراهم‏ بودن فضای بازرگانی حاکم بر کشور است،به این معنا که‏ فضای مورد اشاره بایستی از چنان مطلوبیتی‏ برخوردار باشد که بتواند سرمایه‏گذار خارجی را در صورت‏ نیاز و در مواقع ضرور یار و پیشتیبان باشد.به بیان دیگر اینکه‏ سرمایه‏گذار خارجی بتواند نسبت به گزینش وکیل، خدمات لازم،حسابدار امین،دسترسی به مهندسان‏ و مقاطعه‏کاران،دسترسی به وسائل ارتباط جمعی‏ از تسهیلات متعارف برخوردار باشد.

10-شرایط محیطی و زیستی:

آخرین موردی که ازسوی معاون رئیس سازمان توسعه‏ صنعتی مالزی عنوان شده به نظر می‏رسد نیازی به توضیح‏ نباشد که شرایط محیطی مناسب،بویژه شرایط زیستی‏ بی‏اندازه در جلب سرمایه‏های خارجی برای سرمایه‏گذاری‏ در هر کشوری دارای اهمیت است.بنابراین باید توجه داشت‏ که از جمله مواد زیستی در کشور جویای سرمایه خارجی‏ در واقع همانا مهیا بودن امکانات بهداشتی قابل‏ دسترسی،امکان دسترسی به ارتباطات ماهواره‏ای،ایجاد ارتباط مردم محلی و...است که در جلب سرمایه و نیروی‏ انسانی کارامد از اهمیت فوق العاده برخوردار است.

در پایان با توجه به آنچه به اختصار مورد اشاره قرار گرفت‏ باید دانست که هیچ فعلی در جلب و حمایت سرمایه‏های‏ خارجی که گفته شد تنها وسیله درمان در تورم‏ بیکاری،آنهم به عنوان سرمایه مورد نیاز برای‏ سرمایه‏گذاری می‏باشد،مفید بفایده نخواهد بود،جز آنکه‏ کار مردم به مردم واگذار شود و هرکس سردر پی کار خویش‏ داشته باشد،زیرا این آزمونی است دست‏کم بیش از نیم‏ سده،در بیش از نیمی از پهنه‏ی گیتی آزموده بنابراین‏ آزموده را آزمودن خطاست.